



شهریار مقدم

حقوقدان

یکی از مهم‌ترین اختلافات خانوادگی که آمار بسیاری از دعاوی خانوادگی را به خود اختصاص می‌دهد مربوط به نفقه است.

نفقه را کمک به دیگران از باب نیکوکاری تعریف کرده‌اند، اما در جایی که صحبت از نفقه همسر و خویشان نزدیک است، الزام‌آور بوده و دیگر نیکوکاری محسوب نمی‌شود. در قانون مدنی نفقه به دودسته تقسیم می‌شود:

الف) نفقه همسر (زوجه) که به سبب ازدواج حاصل می‌شود.

ب) نفقه خویشاوندان که به واسطه همخوانی و نسب حاصل می‌شود.

ابتدا مختصراً به نفقه همسر می‌پردازیم: طبق قانون همین که ازدواج به طور صحیح صورت پذیرد و رابطه زوجیت به وجود آید، الزاماً زن و شوهر تکالیفی در مقابل یکدیگر خواهند داشت که نفقه یکی از آن تکالیف است که به عهده مرد گذاشته شده است و آن عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و همچنین در آخر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی از استخدام خدمتکار برای زن در صورتی که در منزل پدرش هم خدمتکار داشته سخن به میان آمده است که این خادم در صورتی که زن به علت بیماری یا نقص بدنی نتواند امور خود را انجام دهد نیز به خدمت گرفته خواهد شد.

اما دو شرط اساسی برای واجب شدن نفقه ضروری است اول آن که عقد ازدواج بین زن و شوهر دائمی باشد و دیگری این که زن تمکین کامل از شوهر خود داشته باشد و در صورتی که زن از تمکین خودداری نماید به عبارت دیگر ناشزه محسوب شده و حق که به واسطه نفقه برای او به وجود آمده است تا زمانی که تمکین نکند و با همسرش به حسن معاشرت نپردازد برقرار نخواهد شد و تمکین نیز خود به دو بخش تمکین عام و تمکین خاص تقسیم می‌شود که وارد بحث آن نشده و فقط به تعریف مختصر آن می‌پردازیم که تمکین عام درخصوص تمام امور کلی زندگی جاری است و تمکین خاص نیز برآورده کردن نیازهای غریزی



چه افرادی نفقه می‌گیرند؟

همسر می‌باشد و عدم رعایت هریک از این دو معنای تمکین کامل را ندارد و با نبود هریک از آنها نشوز به قوت خود باقی است.

اما در شرایطی که زن حاضر به تمکین کامل باشد، اما مرد نخواهد، گرچه عملاً تمکین وجود ندارد، اما زن حق نفقه دارد که البته بار اثبات این حالت‌ها به عهده شخصی است که ادعای آن را دارد. لذا به نظر می‌رسد حق نفقه به واسطه اطاعت از شوهر است که در واقع طبق قانون ریاست خانواده را به عهده دارد و مثلاً زن با اشتغال به کار در خارج از منزل عملاً وقت خود را صرف درآمدی می‌کند که متعلق به خود اوست که در این صورت اگر مرد با کار همسرش مشکلی نداشته باشد پس زن هم با این شرایط در تامین نفقه و مایحتاج زندگی خانواده‌اش نقش داشته و از طرف دیگر حق نفقه کامل نخواهد داشت. اما ضمانت اجرای پرداخت نفقه همسر با وجود تمکین حبس تعزیری است که قانونگذار در ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده اذعان می‌دارد، هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است

و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. سوالی که در اینجا مطرح است این است که زن در برخی موارد به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است از جمله اشاره صریح ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده (جداگانه) اختیار کند و در صورت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه برعهده شوهر خواهد بود.

ضمانت اجرایی دیگر که قانونگذار به نفع زوجه در نظر گرفته اشاره به ماده ۱۱۳۹ قانون مدنی است که می‌گوید: در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید، همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه باتوجه و دقت در مواد یادشده توجه کافی قانون نسبت به حقوق زنان به‌سادگی قابل درک است و این در حالی است که زن با عدم تمکین و نشوز وی تنها از دریافت نفقه محروم می‌شود،

و اثر دیگر نشوز اجازه ازدواج مجدد به مرد است که آن هم مشروط به اثبات تمکین و قدرت مالی مرد است و می‌توان گفت با خروج زن از منزل و نافرمانی وی هیچ حق قانونی دیگری برای مرد متصور نیست. در پایان بحث نفقه همسر به ذکر چند مورد بسنده کرده و بحث دوم را آغاز می‌کنیم اول این که طبق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی: هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نیست. دوم طبق ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی نفقه مطلقه رجعی در زمان عده بر شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد. لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل (حامله بودن) از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت و سوم این که در عقد موقت، زن حق نفقه ندارد، مگر این که شرط شده یا آن که عقد بر مبنای آن جاری شده باشد.

ب) نفقه خویشاوندان (اقارب نسبی)

در فقه ما و همچنین عرف جامعه توجه به خویشاوندان همخون و رسیدگی به معیشت آنان علاوه بر این که امری خدایسندانه است به حکم قانون نفقه برخی از آنها الزامی است که در ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی، کسی را مستحق نفقه می‌داند که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی و سایل معیشت خود را فراهم نماید.

همچنین در بین اقارب، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند (ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی) که به عبارت ساده‌تر می‌توان چنین استنباط کرد که نفقه اقارب با در نظر گرفتن شرایطی خاص شامل خویشاوندانی است که با واسطه یا بدون واسطه از یکدیگر متولد شده باشند.

همانند پدر، جد و جد پدری یا با مثال دیگر فرزند، نوه، نتیجه، پس به نظر می‌رسد اولاً تفاوتی میان خویشان صعودی یا نزولی وجود ندارد، ثانیاً خویشاوندانی که به واسطه هم متولد نشده‌اند مثل خواهر، برادر، خاله، عمو، خواهرزاده و برادرزاده و ... اجباری به پرداخت نفقه به یکدیگر نخواهند داشت که البته شرایطی خاص که در بالا ذکر شد یکی همان است که در ماده ۱۱۹۷ به آنها اشاره شد که ناتوانی مالی و ناتوانی اشتغال به کار مناسب را شامل می‌شد که چنانچه هرگاه یکی از این دو عامل موجود باشد مستحق نفقه تلقی نخواهد شد.

داشته باشند، همه آنها موظف هستند تا به طور مساوی نفقه فرد واجب‌النفقه را بپردازند.

نکته ۴

اگر افراد واجب‌النفقه بیش از یک نفر باشند، شخص منفق که استطاعت مالی دارد، می‌تواند آنچه را که در توان دارد به شکلی برابر میان آنها تقسیم کند. به هر حال، در صورت مراجعه هریک از افراد واجب‌النفقه به دادگاه یا شورای حل اختلاف می‌تواند علیه شخصی که استطاعت مالی دارد اقامه دعوا نماید. با امید به این که از این مختصر استفاده‌ای برده باشید نوع سومی از نفقه وجود دارد که به نفقه زندانی معروف است که مجال پرداخت به آن به فرصت مناسب دیگری واگذار می‌شود.

نکته مهم

ذیلاً به نکات مهمی در باب نفقه اشاره مختصر می‌کنیم.

نکته ۱

این که با توجه به قاعده ترتیب اولویت چنانچه کسانی از خویشان که بیش از یک نفر باشند مستحق دریافت نفقه باشند اولویت با خویشاوند نزدیک‌تر است.

نکته ۲

این که با توجه به قاعده مقدم بودن نفقه زوجه به نفقه اقارب، بدیهی است که اولویت پرداخت نفقه با همسر و فرزندان است و در صورت استطاعت مالی می‌توان مازاد را به اقارب تخصیص داد.

نکته ۳

این که اگر چند نفر استطاعت مالی پرداخت نفقه اقارب را

تمکن مالی

شرط دیگر که در ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی به آن اشاره شده تمکن مالی شخصی است که ملزم به انفاق است، یعنی بتواند نفقه بدهد؛ بدون این که در معیشت خود دچار مضیقۀ گردد که این امر به عرف واگذار شده است و چه بسا کسی با داشتن استطاعت مالی و ثروت تنها بتواند از عهده مخارج خود و خانواده‌اش برآید و به بدهی‌های خود رسیدگی کند، پس این شرط به همراه دو شرط مذکور در ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی که به آنها اشاره شد بایستی فراهم گردد تا نفقه اقارب الزامی گردد، مضافاً بر این که ممکن است پدری با زحمت فراوان فرزند خود را به ثمر رسانده و حال خود نیازمند نفقه فرزندش باشد، لذا به سادگی می‌توان تفاوت بین نفقه اقارب را با نفقه همسر مشاهده نمود و دیگر این که نفقه همسر در صورت دارا بودن وی نیز بایستی الزاماً پرداخت گردد و ربطی به دارایی‌های همسر ندارد و شامل نفقه معوقه (قبلی) نیز می‌باشد اما در نفقه اقارب فقط نسبت به آینده امکان مطالبه نفقه وجود دارد.